

اثربرداری مارتین لوتر از ریکالدو در رویکرد انتقادی به قرآن کریم

سیدرضا مؤدب*

علی اکبر مؤمنی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۹/۱۵

چکیده

هدف این پژوهش بررسی چگونگی تأثیرپذیری مارتین لوتر از ریکالدو دومننه کروچه در رویکرد انتقادی به قرآن کریم است. مارتین لوتر بنیان‌گذار نهضت پروتستان از معدود کسانی است که زمینه تغییر در تاریخ را فراهم نمود، اما او به همان میزان که تأثیرگذار بوده، تأثیرپذیر نیز بوده است. بسیاری از اندیشه‌های لوتر متأثر از اندیشمندان قرون وسطی است. او به‌طور خاص در مواجهه با قرآن، از ریکالدو دومننه کروچه کشیش دومینیکی و مبلغ مسیحی قرن سیزدهم اثر پذیرفته است. لوتر از طریق رساله ریکالدو با اسلام و قرآن آشنا شد و به انتقاد جدی از قرآن پرداخت؛ او که ابتدا مؤثرترین دفاع در برابر جاذبه اسلام را استقامت در باورهای مسیحی می‌دانست، با تغییر روش، تحت تأثیر ریکالدو بهترین رویکرد را نشان داد. خطاهای دین اسلام معرفی کرد. لوتر ضمن حمله به قرآن، آن را وحیانی و معتبر ندانست. با این همه، تلاش کرد از قرآن به‌عنوان مبنای اثبات آموزه‌های اساسی مسیحیت مانند تثلیث و الوهیت مسیح استفاده کند. گرچه لوتر در ادعاها و موضع‌گیری علیه اسلام و قرآن دنباله‌رو ریکالدو است، اما رفتاری تهاجمی‌تر و تندتر از او دارد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، مارتین لوتر، ریکالدو دومننه کروچه.

* استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم. Moadab_r113@yahoo.com

** دانشجوی دکتری الهیات مسیحی، دانشگاه ادیان و مذاهب، پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی نویسنده مسؤول. Akmomeni@gmail.com

مقدمه

مارتین لوتر^۱ کشیش آلمانی، شخصیتی مقتدر، دارای ابهت و تأثیرگذار در تاریخ مسیحیت است که زمینه را برای ظهور جنبش دین‌پیرایی مسیحیت در اروپا هموار کرد. لوتر با جرأت به ستیز با مبانی مسیحیت پرداخت و آنچه را که هزار و پانصد سال نزد همگان معتبر بود به محک نقد کشید. او در زمینه‌های الهیاتی دیدگاه‌های مختلفی دارد که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. لوتر نجات از طریق فیض الهی را مورد تأکید قرار داد، این تعلیم باعث ایجاد تضاد شدید با عقاید کلیسای کاتولیک روم در مورد ماهیت کلیسا و اقتدار داخلی آن گردید. وی ادعای برتری پاپ را رد کرد و مرجع نهایی را کتاب مقدس دانست. او به‌جای سلسله‌مراتب روحانیت کلیسا، کشیش بودن همه ایمان‌داران را مطرح کرد، مفهوم این تعلیم آن بود که هیچ ایمان‌داری احتیاج ندارد که یک کشیش نقش واسطه بین او و خدا را ایفا نماید و واسطه فقط مسیح است (هوردن، ۱۳۶۸: ۲۳). لوتر هفت آیین مسیحیت را به دو آیین (تعمید و عشای ربانی) تقلیل داد؛ زیرا معتقد بود این آیین‌ها را مسیح علیه‌السلام به وجود نیآورده است، بلکه محصول تاریخ است (Kung, 1995: 487).

بنیان‌گذار نهضت پروتستان از معدود کسانی است که زمینه تغییر در تاریخ را فراهم نمود. در پی نهضت پروتستان، انشقاق بزرگ مسیحیت رخ داد؛ گرچه اصلاح پروتستانی دارای امتیازاتی بود، اما از نگاهی دیگر، برای کلیسای کاتولیک رومی، هزینه‌بردار و مصیبت بود. در پایان دوره اصلاحات، چهار نوع متفاوت و گسترده از مسیحیت پروتستانی در درون

پارادایم اصلاح به نام لوتری، انگلیکن، اصلاح شده و کلیسای آزاد تشکیل شده بود (Kung, 1995: 478).

لوتر فردی جسور و تندخو بود، گاه زبان به فحش و ناسزا می‌گشود و از گفتن حرف‌های رکیک، پروا نداشت. پطرس موزلانوس^۲ که معاصر لوتر بوده و لوتر نسبت به وی نظر مساعد داشت، می‌گوید: لوتر هرگز انکار نمی‌کرد که زبانی نیش‌دار دارد، میل مفرط او به بهره‌گیری از چنین مهمات سنگین و ادوات جنگی، وجهه او را در محافل علمی شدیداً مخدوش می‌ساخت (هیکو، ۱۳۹۳: ۵۴۷). اراسموس، روحیه او را گستاخانه و جسورانه توصیف کرده است (همان).

لوتر گذشته از روحیات خاص، درگیر امراض جسمانی بسیاری بود؛ او از بواسیر، یبوست، سردرد، گوش‌درد، تنگی نفس، سنگ کلیه و تقرس در رنج و عذاب بود. بی‌تردید این امراض نیز سهمی در تندخویی و درشت‌گویی داشته‌اند.

نکته قابل توجه درباره لوتر این است که او به همان میزان که تأثیرگذار بوده، تأثیرپذیر نیز بوده است. بسیاری از اندیشه‌های الهیاتی لوتر متأثر از اندیشمندان قرون وسطی است (Chia Hsia, 2004: 43).

تأثیرپذیری لوتر از اندیشمندان و الهی‌دانان قرون وسطی به حدی است که برخی معتقدند هیچ یک از دغدغه‌های اصلاحی لوتر جدید و بی‌سابقه نبودند، اما تا پیش از او زمانشان فرا نرسیده بود. روزگار او زمان مناسبی بود و تنها نابعه‌ای دینی لازم داشت تا آن دغدغه‌ها را انسجام بخشد و شخصاً آنها را بیان کند و لوتر مرد آن زمان بود (کونگ، ۱۳۹۰: ۱۶۱). اساساً شخصیت لوتر ریشه در باورهای قرون وسطی داشت.

رستاخیزی قرون وسطایی در روحیه آنان برانگیخته شد. سال ۱۵۴۲م عثمانی‌ها مجارستان را اشغال کردند و بدین‌سان بعد از سقوط اسپانیا در سال ۱۷۱۱م به دست مسلمانان، دومین سرزمین بزرگ اروپای غربی نیز سقوط می‌کند. در هنگامی که بسیاری منتظر بودند تا اروپا قوای خود را برای رویارویی با این حمله ترکان جمع نماید؛ پادشاه فرانسه با عثمانی‌ها هم‌پیمان شد. در چنین شرایطی اگر آلمان از طرف عثمانی‌ها مورد هجوم قرار می‌گرفت، زیر سم سواران ترک لگدکوب می‌شد. درست در این زمان که رعب و وحشت کشورهای اروپایی به‌ویژه آلمان را فرا گرفته بود، لوتر که در آن زمان پیرمردی بود که از دست همه‌چیز عصبانی و برآشفته بود، به کتاب «رد قرآن» از آثار قرن سیزدهم و تألیف ریکالدو دومنته کروچه یکی از مخالفان اسلام، دست یافت و آن را به آلمانی ترجمه کرد (ویلیام ساترن، ۱۳۹۲: ۱۴۳). لوتر خود ابتدا در سال ۱۵۳۰ قصد داشت قرآن را نه از متن عربی، بلکه بر پایه ترجمه‌ای لاتینی به زبان آلمانی برگرداند، اما در این کار موفق نشد (کریمی‌نیا، ۱۳۸۱: ۷۷). لوتر با توجه به حمله‌های مستمر مسلمانان به اروپای آن دوران، سعی کرد تا بعضی مطالب رساله ریکالدو را به‌روز نماید؛ او پذیرفته بود که امکان ندارد مسلمانان به مسیحیت گردن نهند؛ زیرا به باور وی، قلب‌های آنان قفل شده و به متون مقدس با حقارت نگاه می‌کنند و به خطاها و اشتباهات قرآن، با قدرت و ایمان می‌نگرند؛ بنابراین تلاش وی معطوف به حمایت از ایمان مسیحیانی بود که در تحت سلطه اسلام قرار داشتند (ویلیام ساترن، ۱۳۹۲: ۱۴۴-۱۴۵).

این دوره از تاریخ مسیحیت دارای ویژگی‌های خاصی است؛ از یک‌سو سخت‌ترین جنگ‌های مسیحیت علیه اسلام در این دوره رخ داده است و به‌موازات آن، مواجهه فرهنگی و اعتقادی نیز در همین دوره بوده است؛ در نتیجه هم‌زمان با جنگ‌های صلیبی تلاش گسترده‌ای برای شناخت اسلام و قرآن در این اتفاق افتاده است و مجموعه تلاش‌ها و آثار این دوره مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و افکار مسیحیت در مقابل اسلام را تشکیل داده است که برای اندیشمندان غربی در دوره‌های بعد دارای اهمیت فراوان بوده است. شناخت مسیحیت از اسلام و موضع‌گیری آنان در برابر اسلام، قرآن و پیامبر اسلام در فضای پرحادثه و وهم‌آلود قرون وسطای متأخر شکل گرفت که بر آینده تاریخ مسیحیت اثر فراوان بر جای گذاشت؛ به‌گونه‌ای که بدون شناخت این دوره نمی‌توان تاریخ مسیحیت را شناخت. شواهد نشان می‌دهد حوادث و تحولات گوناگون دوره رنسانس نیز از قرون وسطی سرچشمه گرفته است و بدون بررسی و شناخت آن، نمی‌توان به فهم صحیح و دقیقی از تحولات رنسانس دست یافت. مارتین لوتر که از شخصیت‌های مهم و مطرح در دوره رنسانس است در شعارها و اندیشه‌های خود از اندیشمندان قرون وسطی متأثر بوده است. بررسی اقدامات و موضع‌گیری‌های لوتر درباره قرآن نیز به‌خوبی نشان می‌دهد که برخی شخصیت‌های قرون وسطی و به‌طور خاص ریکالدو دومنته کروچه در نوع مواجهه وی با اسلام و قرآن تأثیر بسزایی داشتند. هنگامی که خطر عثمانیان در آغاز قرن شانزدهم، برای اروپاییان به اوج خود رسید، بار دیگر در اروپا دوره‌ای از پندارها و تصورات

میزان آشنایی لوتر با قرآن

قرون وسطی، براساس ترجمه‌های صورت گرفته بود؛ درعین حال افراد اندکی که به مطالعه قرآن می‌پرداختند، در جهت فهم کامل متن قرآن به طور مستقیم به آثار تفسیری مسلمانان مراجعه می‌کردند و با وجود اینکه زیربنای کار آنان تحقیق بود، ولی همواره نسبت به قرآن و اسلام موضع خصومت‌آمیزی داشتند. در این دوره عالمان مسیحی همانند گذشته با هدف دفاع از مسیحیت، قرآن را بررسی می‌کردند (معارف، ۱۳۹۴: ۸۰-۸۲). ریکالدو نیز که با هدف دفاع از مسیحیت به مطالعه قرآن پرداخته و علاوه بر استفاده از آثار پیشینیان، با مراجعه مستقیم به قرآن، مواضع خصم آلودی علیه قرآن را بیان کرده است.

ریکالدو^۳ دومنته کروچه^۴ (۱۲۴۳-۱۳۲۰م) کشیش دومینیکی و مبلغ مسیحی در حدود سال ۱۲۴۳ میلادی در فلورانس^۵ به دنیا آمد و در ۳۱ اکتبر ۱۳۲۰ در همان‌جا درگذشت. از ۱۲۷۲ تا ۱۲۲۸ در فلورانس و پراتو^۶ مدرس بود. سپس پاپ نیکولای چهارم او را به شرق فرستاد. وی در فلسطین و ارمنستان و عراق به گردش پرداخت و یعقوبیان را در موصل و نسطوریان را در بغداد به پیوستن به کلیسای کاتولیک رُم دعوت می‌کرد. در حدود ده سال در موصل و بغداد به سر برد. سپس در سال ۱۳۰۱ به فلورانس بازگشت. در طول سفرهایش به کشورهای اسلامی به مجادلاتی با مسلمانان به زبان عربی پرداخت (بدوی، ۱۳۷۵: ۱۸۳). ریکالدو کتابی با عنوان «در برابر قانون مسلمانان»^۷ به زبان لاتین و یا «مجادلاتی علیه اسلام و

گویا لوتر قبل از دست‌یافتن به رساله ریکالدو، شناختی از اسلام نداشته است، او در مقدمه ترجمه خود، به کمبود پژوهش‌های اسلامی آن دوران اشاره کرده است؛ وی می‌گوید مدتی قبل با کتاب ریکالدو آشنا شده بود؛ اما نمی‌توانست باور کند که مردمانی در این دنیا وجود دارند که این اندازه در اشتباه و گمراهی هستند؛ بنابراین گمان کرده متن ریکالدو علاوه بر اشتباهات پاپ‌ها که در دنیا منتشر است، یک اشتباه خیالی دیگر می‌باشد. از این رو به دنبال آن بود به منظور شناخت حقیقی قرآن، خودش آن را بخواند اما تا سال ۱۵۴۲م نتوانست به ترجمه لاتینی قرآن دست پیدا کند؛ و زمانی که موفق به خواندن آن شد، به‌زعم خود فهمید که حق با ریکالدو بوده است و او خیال‌پردازی نکرده است؛ بنابراین تصمیم گرفت تا اثر ریکالدو را به آلمانی ترجمه نماید (ویلیام ساترن، ۱۳۹۲: ۱۴۴). معلومات قرآنی لوتر تماماً برگرفته از متون درجه دوم و نوشته‌های جدلی مسیحیان قرون وسطی به زبان لاتینی بود. برخی از این متون عبارت‌اند از: علیه مذهب ساراسن‌ها، نوشته دومینیک ریکالدو دومنته کروچه (درگذشته ۱۳۲۰م)؛ نقد قرآن، نوشته نیکولاس کوزائی (۱۴۰۱-۱۴۶۴م)؛ و مکتوبی نوشته شده در ۱۴۰۸ میلادی، از یک اسیر گمنام که مدت‌ها در اسارت ترکان عثمانی بوده است با عنوان رساله‌ای در آداب و رسوم ترک‌ها (مسلمانان) (کریمی‌نیا، ۱۳۸۱: ۷۸).

3. Ricoldo da Monte Croce

۴. کروچه نام محلی نزدیک فلورانس است.

5 Florence

6. Prato

7. Contra Legem Sarreacenorum.

ادعاهای ریکالدو درباره قرآن

بیشترین اطلاعات غربی‌ها از اسلام و قرآن تا دوره

مارتین لوتر به آلمانی ترجمه شده است (همان) و امروزه با نام «ردی بر قرآن»^{۱۴} به زبان انگلیسی در دسترس است.

ریکالدو در نگارش رساله خود از ترجمه رابرت کتوننی و ترجمه لاتینی رساله‌ای جدلی از مستعربی اندلسی بهره برده است؛ این رساله جدلی که یکی از منابع مهم ریکالدو دومتته کروچه است در اصل به زبان عربی تألیف شده و نویسنده آن با قرآن و حدیث آشنایی داشته و تلاش نموده بی‌اعتباری نص قرآن را اثبات نماید. ریکالدو به‌رغم توان کافی‌اش در استفاده از متون اسلامی، بیشتر از این رساله بهره برده و روایت تدوین قرآن را به نقل از او آورده است (رحمتی، ۱۳۸۷) به‌طورکلی می‌توان گفت اظهارنظرهای ریکالدو درباره قرآن عالمانه و دقیق نیست و وی براساس برداشت‌های سطحی و مغرضانه در فضای مسموم جنگ‌های صلیبی، تلاش نموده قرآن را کتابی غیر وحیانی و بی‌اعتبار معرفی نماید.

ادعاها و شبهات ریکالدو درباره قرآن را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. نفی وحیانیت قرآن

ریکالدو دلایل متعددی را مطرح نموده تا به‌زعم خود بی‌اعتباری و وحیانی نبودن قرآن را ثابت نماید؛ ادعای وی برای اثبات وحیانی نبودن قرآن را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

الف) ادعاهای برون‌قرآنی: برخی از ادعای

ریکالدو متوجه نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به‌عنوان آورنده قرآن می‌شود؛

قرآن»^۸ به زبان انگلیسی دارد که نمونه‌ای از آثار تألیف شده مسیحیان با هدف دفاع از مسیحیت در قرون وسطی است. کتاب ریکالدو را می‌توان خلاصه سامان‌یافته و سنتی تمامی مخالفت‌های مسیحیان در برابر قرآن دانست (معارف، ۱۳۹۴: ۸۱). «در برابر قانون مسلمانان» معروف‌ترین اثر ریکالدو است که در بغداد نوشته شده و به‌عنوان یک منبع جنجالی علیه اسلام شناخته می‌شود. این کتاب اولین بار در شهر سویل به زبان لاتین چاپ شد (Herbermann, Volume 13: 137). این اثر با عنوان «جدال علیه مسلمانان و قرآن»^۹ به‌صورت خطی در پاریس موجود است و یا به نام «علیه قرآن محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم»^{۱۰} که به‌صورت خطی در موزه بریتانیا وجود دارد یا «ردی بر قرآن»^{۱۱} - که عنوان ترجمه لاتین از ترجمه یونانی است که دیمتریوس کیدونس^{۱۲} در سال ۱۳۵۰ به انجام رسانده است^{۱۳} (بدوی، ۱۳۷۵: ۱۸۳). متن لاتینی رساله ریکالدو در طلیطله به سال ۱۵۰۲ میلادی و در ونیز در ۱۶۰۷ میلادی تحت نام‌های متفاوتی به چاپ رسید (رحمتی، ۱۳۸۷). این کتاب از ردیه‌های مهم و تأثیرگذار مسیحیان بر اسلام قبل از عصر رنسانس و یکی از پراقبال‌ترین ردیه‌ها بر ضد اسلام بوده است و از مهم‌ترین متون جدلی در نقد اسلام به شمار می‌آمده و در سنت ردیه‌نویسی مسیحیت غربی بر اسلام، جایگاه خاصی داشته و پس از خود، موج جدیدی از ردیه‌نویسی بر اسلام ایجاد کرده است (همان). این کتاب به چندین زبان و ازجمله توسط

8. Disputation against the Saracens and Quran.

9. Disputatio Contra Saracenos et Alchoranem

10. "Antlacoran maehometi"

11. "Confutation (ou improbatio) alchorani"

12. Demetrius cydones

۱۳. فرهنگ خاورشناسان، ص ۱۸۳.

۲. تلاش برای اثبات حقانیت مسیحیت با استفاده از قرآن

ریکالدو در گام دوم، از حمله به دفاع، تغییر روش داده است و در فصل‌های پایانی کتاب خود، به دنبال دفاع از آموزه‌های مسیحیت، با هدف اثبات برتری آیین مسیح بر دین اسلام و نیز حقانیت مسیحیت است. او که در ابتدا تمام تلاش خویش را به کار بست تا بی‌اعتباری قرآن را نشان دهد، در ادامه برای اثبات تثلیث، الوهیت مسیح، عدم تحریف انجیل و برتری آن بر قرآن و نیز برتری حضرت عیسی علیه‌السلام بر پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به آیات قرآن استناد نموده است.

ریکالدو که موضع‌گیری و نگرش نسبت به قرآن، مورد توجه و استناد مسیحیان و مستشرقان پس از وی قرار گرفته است، با تأثیرپذیری از اندیشه‌ها و فضای حاکم بر قرون وسطای متأخر به سراغ قرآن آمده و نسبت‌های ناروایی به اسلام و قرآن داده است. روشن است که بحث علمی باید از هرگونه طعنه و تشویشی به دور باشد، حال آنکه ریکالدو به قصد طعن و اثبات ضعف قرآن، به دنبال اثبات اهداف از پیش تعیین شده خویش است. تعصب خاص ریکالدو نسبت به مسیحیت و عدم رویکرد علمی به قرآن پژوهی، عمده عوامل مؤثر در جهت‌گیری آرای ریکالدو است که موجب انحراف وی از بحث علمی و تکیه بر اهداف و نتایج از پیش تعیین شده گردیده است.

رویکرد انتقادی لوتر در برابر قرآن کریم

با گسترش تهاجم عثمانیان در اروپا، لوتر مخاطبان خود را به دعا توصیه می‌کرد و تا زمانی که مرزهای امپراطوری آلمان از سوی ارتش عثمانی تهدید نشده

او با اشاره به این نکته که وحی الهی در طول تاریخ مانند زنجیری است که پیامبران به وسیله آن، به یکدیگر متصل شده‌اند و از طریق آن آمدن پیامبران بعدی را پیش‌بینی کرده است، ادعا می‌کند که چون کتاب مقدس ظهور پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را پیش‌بینی نکرده و هیچ پیامبری به آمدن پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شهادت نداده است. ادعای نبوت و وحی بودن قرآن کذب است. علاوه بر آن، او معتقد است مطابق با وحی‌های پیشین، معجزات مطمئن‌ترین راه تصدیق ادعای پیامبری بودند. از آنجا که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای اثبات نبوت خود، معجزه‌ای نداشته است، پس نمی‌تواند از جانب خدا باشد؛ بنابراین وثاقت قرآن نیز با معجزات به اثبات نرسیده است. ریکالدو بر این باور است هیچ‌یک از عهد جدید و قدیم به اعتبار قرآن گواهی نداده است. همچنین سبک قرآن با سبک عهدین متفاوت است؛ از این رو نمی‌تواند وحی الهی باشد.

ب) ادعاهای درون‌قرآنی: ریکالدو پس از طرح شبهات و ادعاهای پیرامون قرآن، در ادامه محتوای قرآن را هدف قرار داده است و با استناد به برخی از آیات قرآن تلاش نموده به زعم خود بی‌اعتباری و عدم وحیانیت قرآن را ثابت نماید؛ او برای اثبات این ادعا، اتهام‌های زیر را دست‌آویز قرار داده است: قرآن خطاهای متعددی دارد؛ مشحون از تناقضات درونی است؛ کتابی بی‌نظم است؛ خلاف عقل است؛ پر از دروغ است؛ ترویج‌کننده خشونت است؛ قوانین آن ظالمانه است؛ حاوی افسانه‌های خیالی است.

روح القدس و هدایای روح را تکذیب می‌کند. با این باورها و باورهای مشابه باید باطن ایمان در مقابل آیین محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مستحکم شود (Adam S, 2007: 177).

چنین توصیه‌ای نشان‌دهنده رویکرد اولیه لوتر نسبت به اسلام بود. او تحت تأثیر ریکالدو معتقد بود هدایت پیروان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امکان‌پذیر نیست. به باور لوتر امکان نداشت مسلمانان به مسیحیت گردن نهند؛ زیرا به‌زعم وی قلب‌های آنان قفل شده بود و به کتاب مقدس با حقارت نگاه می‌کردند و به خطاها و اشتباهات قرآن خود، با قدرت و ایمان می‌نگریستند؛ بنابراین وی ابتدا مسلمانان را مخاطب خویش قرار نداد و تلاش خود را تنها در جهت تثبیت و تقویت ایمان مسیحیان به کار برد. لوتر معتقد بود تا زمانی که مسیحیان در گناهان و گمراهی خود کوشا بوده و در آن زیاده‌روی نکنند، جنگ صلیبی نیز به اسلام پایان نخواهد بخشید. او با نپذیرفتن جنگ به‌عنوان روشی برای رویارویی با اسلام، با راجر بیکن، ویکلیف، یوحنا سیگویایی و نیز سایر متفکران اروپایی قرن سیزدهم هم‌عقیده، بلکه متأثر از آنان بود. جان ویکلیف یکی از مصلحان مسیحی قرون وسطی، هرچند مسلمانان را کافر می‌دانست، اما معتقد بود موضوع اسلام راه حل نظامی ندارد، بلکه مسیحیان باید خود را اصلاح نمایند. او می‌گوید:

اسلام هرچند فرقه کفر است، اما از لحاظ عقیده و فکر که بنگریم کفر نیست، از این لحاظ کفر است که اخلاق و کردار پیروان آن کافرانه است و از این لحاظ ما عیسویان نیز در میان خود همان اندازه بلکه بیشتر کافریم و کافرانه عمل می‌کنیم. ما به‌جای اینکه بر ضد

بود، لوتر نیازی به مخاطب قرار دادن دین اسلام ندید؛ اما با اوج گرفتن خطر عثمانی‌ها در اروپا، وی علاوه بر تشویق به دعا علیه ترکان مسلمان، این دغدغه برایش به وجود آمد که چگونه یک مسیحی می‌تواند به اسلام پاسخ عملی دهد؛ بنابراین او به‌دنبال مجهز نمودن مسیحیان به استدلال و دلایل بود تا هم ایمان مسیحیان را تقویت نماید و هم آیین مسلمانان را یک دروغ شیطانی و فریبنده معرفی نماید؛ از این‌رو تصمیم گرفت به‌جای طراحی یک حمله علیه قرآن، آن را طبق نظر و عقیده خود ترجمه کند، او این کار را بهترین دفاع جدلی ممکن برای آشکار ساختن حقایق اسلام برای عوام آلمانی می‌دانست. لوتر همواره به خوانندگانش اصرار داشت که بر ایمان مسیحی خود استوار بمانند، از نگاه او، مؤثرترین دفاع در برابر جاذبه اسلام، به دست آوردن یک عقیده محکم از آموزه‌های مسیحی در مورد انسان و کار مسیح بود. او می‌گوید:

این دفاعیات باورهایی درباره مسیح هستند، برای مثال، اینکه مسیح پسر خداست، اینکه او به خاطر گناهان ما مرد، اینکه او به خاطر زندگی ما پرورش یافت، اینکه گناهان ما به خاطر ایمان به او بخشیده شده است و ما در امان هستیم و غیره. اینها صاعقه‌هایی هستند که نه‌تنها محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بلکه دروازه‌های جهنم را نیز نابود می‌کنند؛ زیرا محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پسر خدا بودن مسیح را انکار می‌کند، اینکه او به خاطر گناهان ما مرد را رد می‌کند، اینکه او به‌خاطر زندگی ما به وجود آمده است را انکار می‌کند، او انکار می‌کند که گناهان ما به‌خاطر ایمان به او بخشیده شده است و ما تصدیق شده‌ایم، اینکه او خواهد آمد تا در مورد زنده و مرده قضاوت کند، او

مسلمانان لشکرکشی نماییم یا با وعظ و تبلیغ آنان را به دین خویش درآوریم، باید عیوب خود را رفع نماییم و عیسوی درست باشیم (مینوی، ۱۳۶۹: ۷۷).

اما برخی از نویسندگان مسیحی بر این باورند گرچه لوتر در مخالفت با جنگ‌های صلیبی و راه حل نظامی در برابر اسلام، با این متفکران مسیحی هم‌عقیده بود، اما برخلاف تمامی آنان، از شکار شدن مسیحیت غربی معاصر خودش توسط اسلام، رضایت مغرضانه‌ای داشت (ویلیام ساترن، ۱۳۹۲: ۱۴۴). ممکن است این نوع برداشت از برخی سخنان و مواضع لوتر نسبت به مسیحیانی که تحت تسلط و حاکمیت مسلمانان بودند، به دست آید. او ترک‌ها (مسلمانان) را خشم خدا معرفی کرده (Hazlitt, Esp, 2004: 483) و به اسپرشدگان در دست ترکان مسلمان، توصیه می‌کند که با بردباری و تحمل، به خاطر مسیح، این رنج را بپذیرند و ناامید نباشند. او به مخاطبان خویش اصرار می‌ورزید که بر ایمان مسیحی خود استوار بمانند و در همین حال در زمان اسارت، برای ترکان مسلمان خدمتکاران و وظیفه‌شناسی باشند (Adam S, 2007: 177).

به هر روی، لوتر تلاش خود را برای حفظ ایمان مسیحیان به کار برد و معتقد بود پیروزی‌های مستمر عثمانی‌ها و مسلمانان در چندین قرن به این معنی نیست که آنان از رضایت خداوند بهره‌مندند، چرا که آنان فقط وسیله‌ای برای اجرای کلام خداوند هستند، از این رو بر مسیحیان لازم است که در برابر خواسته خداوند تسلیم باشند و مسلمانان و پیروزی‌های آنان را به حال خود رها نمایند (ویلیام ساترن، ۱۳۹۲: ۱۴۴).

این رویکرد در برابر اسلام چندان ادامه نیافت؛ زیرا او امیدوار بود که روزی پاسخ کامل‌تری به اسلام

بدهد. چند وقت بعد در سال ۱۵۴۱م یا اوایل ۱۵۴۲م هنگامی که هیجانانگیز در پیش‌بینی یک حمله دیگر به وین بالا گرفته بود، لوتر به یک نسخه خطی از قرآن (با ترجمه لاتین) کتابخانه دانشگاه ویتنبرگ دست یافت و با خواندن قرآن از روی این ترجمه، اسلام را منفور و کفر دانست. وی با هدف دفاع از آیین مسیحیت به ترجمه «رد قرآن» اثر ریکالدو دو مونتیه دی کروچه پرداخت.

لوتر تحت تأثیر رساله ریکالدو، بهترین رویکرد را نشان دادن خطاهای دین اسلام می‌دانست. او معتقد بود مسیحیان، به‌ویژه کسانی که ممکن است از تردید نسبت به درستی اعتقادات خود رنج ببرند و یا دچار وسوسه شوند، با این کار اعتقادات مذهبی‌شان تقویت خواهد شد. او می‌گوید: «لازم دیدم که این کتاب کوچک را به زبان آلمانی ترجمه کنم تا ما آلمانی‌ها بفهمیم که دین محمد، چه دین شرم‌آوری است [و] بر دین مسیحی خود استوار شویم» (Adam S, 2007: 179).

لوتر در این رویکرد از ریکالدو تأثیر پذیرفت. روش ریکالدو در مواجهه با اسلام، بر پایه سنت‌های دفاعی دومینیکی است. توماس آکوئیناس (۱۲۷۴م-۱۲۲۵م)، بزرگ‌ترین کشیش و خداشناس دومینیکی، اساس سیستم این دفاعی را در کتاب «استدلال در مورد ایمان علیه مسلمانان»^{۱۵} بنیان‌گذاری کرد؛ او در یک فصل مختصر با عنوان «چگونه با کافران بحث کنیم»^{۱۶} اصول اساسی رویکرد خود را این‌گونه به اختصار بیان کرد:

15. De rationibus fidei contra saracenos

16. How to argue with unbelievers.

او این موضوع را مطرح نمود که مسلمانان به شدت معتقدند که قرآن کلام خداست، بنابراین باید با حمله به قرآن کار را آغاز کرد. «در آغاز نباید با آنان از طریق [اثبات و یا دفاع] از باورهای بزرگ دین ما ارتباط برقرار کرد... بلکه باید قرآن آنان را گرفت و با پشتکار روی آن کار کرد، غلط و بی‌فایده بودن قانونشان را به آنها نشان دهیم». بعد از انجام این کار، باید آئین مسیحیت را شرح داد و در نتیجه حقیقت را جایگزین ضلالت کرد (Ibid: 183).

لوتر معتقد بود نقطه مناسب برای شروع بحث دینی مسیحی- مسلمان، در گام اول این است که با افشای خطاهای آئین مسلمانان، پایه و اساس اسلام را ویران کنیم؛ زیرا این کار همه موانع را از سر راه آئین مسیحیت برمی‌دارد و به این وسیله راه را برای درک بهتر انجیل هموار می‌کند؛ بر این اساس لوتر پس از حمله به قرآن نتیجه می‌گیرد که قرآن وحیانی نیست، نه قرآن و نه پیامبری محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در وحی‌های پیشین پیش‌گویی نشده است، محتوای قرآن متناقض است، قرآن با معجزات تأیید نشده، غیر معقول و پر از دروغ، ظالمانه، بی‌نظم و شرم‌آور و الهام شیطان است (Ibid: 209). با این همه، عجیب است که لوتر قرآن را مبنای شرح عقاید مسیحی قرار داده است؛ او با پیروی از ریکالدو و حتی تقویت نظر او، تلاش کرد که از قرآن به‌عنوان مبنای اثبات آموزه‌های اساسی مسیحیت مانند تثلیث و الوهیت مسیح استفاده کند. همچنین تلاش کرد با استفاده از قرآن مسلمانان را به خواندن کتاب مقدس تشویق نماید. این روش برای تفسیر و حمایت از دین مسیحیان در برابر یک مخاطب مسلمان، نسبت به روش لوتر در بیست سال قبل (سال

شما در مناظره با کافران، درباره باورهای مذهبی، نباید سعی کنید که با دلایل ضروری، ایمان را ثابت کنید. این کار ارزش والای ایمان را کوچک می‌شمرد...؛ با این حال هر آنچه از حقیقت اعلی برمی‌آید، نمی‌تواند غلط باشد و چیزی که غلط نیست نمی‌تواند با هیچ دلیل ضروری رد شود...؛ بنابراین هر مسیحی که درباره باورهای مذهبی مناظره می‌کند، نباید سعی کند که ایمان را اثبات کند، بلکه باید از آن دفاع کند. از این رو، پطرس مقدس (رساله اول پطرس ۳: ۱۵) نگفت «همیشه برهان داشته باشید». بلکه گفت «همیشه پاسخی آماده داشته باشید» (Adam S, 2007: 182).

طبق نظر توماس، آموزه‌هایی چون تثلیث، تجسم عیسی مسیح، آیین‌های کلیسایی و رستاخیز بدن در ورای ادراک عقل قرار دارند، اما متضاد با عقل نیستند (لین، ۱۳۹۰: ۲۰۹). با این حال در پاسخ به ایرادات مسلمانان به آیین مسیحیت، ابتدا باید رابطه میان آموزه‌هایی چون تثلیث و الوهیت مسیح را ثابت کرد. در مقایسه، لوتر، آن قدر مطمئن نبود که استدلال بتواند یک انسجام منطقی در تعالیمی همچون الوهیت مسیح و تثلیث را نشان دهد. طبق نظر لوتر، عقاید مسیحیت، غیرمنطقی نبودند، اما فراتر از عقل بشری قرار داشتند (Adam S, 2007: 182).

ریکالدو، کشیش و مبلغ دومینیکی، رساله خود را بر پایه سیستم دفاعی که توماس بنا نهاده بود قرار داد؛ وی با روش دومینیکی، ابتدا تلاش می‌کند خطاهای قرآن را نشان دهد سپس با استناد به آیات قرآن از آیین مسیح دفاع نماید. لوتر نیز از همین روش که از آن افشا و تخریب گمراهی نام برده است، پیروی کرد،

۱۵۲۱م) کاملاً متفاوت است؛ زیرا وی در آن زمان این‌گونه نوشت:

اگر یک ترک [مسلمان] از ما بخواهد که دلایلی برای آئینمان ارائه دهیم، چگونه رفتار می‌کنیم؟ برای او مهم نیست که چند وقت است که ما به یک راه مطمئن ایمان آورده‌ایم، یا مردمی که به آن ایمان آورده‌اند چه تعداد هستند و یا از افراد مشهور و مهم هستند. ما باید در برابر همه اینها سکوت کنیم و او را به کتاب مقدس به‌عنوان اساس دین خود سوق دهیم (Ibid: 207).

اقتباس لوتر از روش ویژه ریکالدو در ارائه دلیل برای آئین مسیحیان، تغییر مهمی را در افکار جدلی لوتر نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد لوتر مبنای خویش را در مورد قاعده «فقط کتاب مقدس» که همواره به آن پایبند بود، رها می‌کند و با تأثیرپذیری از ریکالدو، روش دیگری برای دفاع از آیین مسیحیت در برابر اسلام برمی‌گزیند.

به‌رغم آنکه شناخت لوتر از اسلام و قرآن، نسبت به ریکالدو، بسیار اندک بوده و وی سخنان و ادعاهای ریکالدو را تکرار می‌کند، اما رفتاری تهاجمی‌تر و تندتر از او دارد. به‌طور مثال ریکالدو ادعا می‌نماید که روش قرآن در آشکار کردن خدا با روش سایر کتب آسمانی متفاوت است. وی روش بیان قرآن را که با ماهیت آهنگین زبان عربی آمیخته است رد می‌کند؛ اما لوتر که هیچ شناختی از زبان عربی نداشت، با اعتماد به ریکالدو ادعا کرد روش قرآن در بیان نه‌تنها علیه کتاب مقدس، بلکه علیه تمام نوشته‌های فلسفی و حقوقی می‌جنگد. او ادعا می‌کند ریتم و وزن، فقط برای سرگرم‌کنندگان و دلقک‌ها مناسب است نه برای تبلیغ، تعلیم و یا شرح مسائل حقوقی. لوتر حتی با

اطمینان افزود: «هرگز پیامبر، فقیه یا فیلسوفی وجود نداشته است که به شیوه‌ای آهنگین یا شعرگونه سخن بگوید» (Ibid: 185).

تفاوت‌های ترجمه لوتر با رساله ریکالدو لوتر به‌شدت تحت تأثیر مطالب رساله ریکالدو قرار گرفته و با توجه به اینکه شناخت درستی از اسلام نداشته، محتوای آن را چشم‌پوشته پذیرفته است؛ اما با تغییرات محسوسی که لوتر در ترجمه کتاب ریکالدو انجام داد، تفاوت‌های مهمی ایجاد کرد. برخی از تفاوت‌های ترجمه لوتر با رساله ریکالدو به شرح زیر است:

الف) هدف

کتاب ریکالدو برای استفاده متکلمان نوشته شده است و هدف او این بود که آنچه وی بر ضد اسلام می‌نگارد، برای خدمت به کلیسای مسیحیت باشد؛ اما لوتر دو دشمن داشت؛ اسلام به‌عنوان یک تهدید جدی در هیأت سپاهیان ترک عثمانی و نیز کلیسای پاپ. لوتر از مسلمانان و پاپ به‌عنوان دوسر دجال یاد کرده است و به‌این ترتیب مجادله ضد اسلامی و ضد کاتولیک را به هم ربط داده بود (بوتسین، ۱۳۸۵: ۱۳۸). لوتر با هدف توانمند نمودن مسیحیان تحت سلطه ترک‌ها (مسلمانان) به‌منظور حفاظت از عقایدشان در برابر دین اسلام، این دفاعیه قرون‌وسطایی ریکالدو را به زبان بومی ترجمه کرد و برای دلپذیر کردن آن برای مخاطبانی که تمایل به استدلال‌های دینی رسمی نداشتند، ضمن حذف برخی مباحث استدلالی، مطالبی به آن افزود (Adam S, 2007: 209).

ب) تلخیص هدفمند

آیات قرآن، با این عبارت مواجه می‌شود: مگس از سپاه سلیمان غایب بود و سلیمان به سربریدن مگس دستور داده است! بعد از این، مگس، خبر خود درباره ملکه سبا را به سلیمان علیه‌السلام داده است. در این شکل خبر، مگس حیوانی است که با ملکه و مردمانش که به پرستش خورشید به‌جای خداوند مشغول بوده‌اند، مواجه شده است. این عبارات کاملاً بی‌معنا بدون تغییر خاصی از صورت تحریف یافته آن در متن یونانی، بار دیگر به لاتینی ترجمه شده است. لوتر که با این گزارش از داستان سلیمان علیه‌السلام مواجه می‌شود، ضمن تأکید بر بی‌معنا بودن داستان، سخن گفتن سلیمان علیه‌السلام با پرندگان و نیز خندیدن پرندگان برای وی قابل‌فهم نبوده است (بوتسین، ۱۳۸۵: ۱۳۹). وی در حقیقت با انتخاب این‌گونه مطالب از کتاب ریکالدو تلاش نموده محتوای قرآن را مضحک معرفی نماید.

ج) لحن تند

گرچه رساله ریکالدو حاوی مطالب اهانت‌آمیزی است و خالی از تندی نیست، اما نسبت به ترجمه لوتر، لحنی ملایم دارد، درحالی‌که ترجمه لوتر مشحون از عبارات درشت، فحاشی و سخنان غیراخلاقی است که ویژگی آثار آخر عمر لوتر است (کتاب تنها چهار سال قبل از مرگ لوتر در ۱۵۴۶م ترجمه شده است) (همان). مارتین لوتر نه تنها زمینه را برای ظهور جنبش دین‌پیرایی مسیحیت در اروپا هموار کرد، بلکه بر شراره‌های آتش هتاکی و ناسزاگویی نسبت به اسلام و قرآن دامن زد. این چنین بود که اسطوره‌های قرون وسطایی «محمد صلی‌الله

بهره‌گیری لوتر از متن لاتینی در ترجمه متن، دلخواهانه بود؛ وی برخی عبارات را که به نظر او بسیار کلامی بود، تلخیص کرد و عباراتی از خود بر متن افزود تا بر اهمیت برخی مطالب تأکید کند (بوتسین، ۱۳۸۵: ۱۳۸). متن‌های حذف‌شده در ترجمه لوتر بیشتر جنبه استدلالی دارد و او بخش‌هایی از کتاب ریکالدو را که مضحک‌تر است ترجیح داده است (Adam S, 2007: 199). ریکالدو فهم درستی از برخی مسائل اسلام نداشته و حتی در برخی موارد میان قرآن و احادیث تفکیک ننموده است (رحمتی، ۱۳۸۷). وی در فهم آیات قرآن نیز در برخی موارد مرتکب اشتباهات فاحشی شده است؛ به‌عنوان مثال در داستان حضرت سلیمان و مورچگان عبارت «فَتَبَسَّمْ ضَاحِكًا» (نمل/۱۸) را به «مورچه خندید» ترجمه کرده است؛ در حالی که ترجمه صحیح عبارت، «سلیمان خندید» است. به‌سبب این اشتباه فاحش، طبیعی است که ریکالدو معنای اصلی داستان به‌علاوه چیزهای دیگر یعنی فهم سلیمان به زبان همه حیوانات را درنیابد (بوتسین، ۱۳۸۵: ۱۳۹).

کیدونس در ترجمه یونانی کتاب ریکالدو، نمل^{۱۷} (مورچه) را به مگس ترجمه کرده است. افزون بر آن، در این داستان، به‌جای هدهد نیز مگس به کار رفته است؛ بر این اساس، خواننده مطالب، در ترجمه

۱۷. «حَتَّىٰ إِذَا اتَّوَا عَلَىٰ وَادِ الثَّمَلِ قَالَتْ ثَمَلَةٌ يَا أَيُّهَا الثَّمَلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَسْعُرُونَ» (نمل/۱۸).

علیه و آله وسلم به عنوان ضد مسیح» (دجال) در این دوره دوباره زنده شد (صمیمی، ۱۳۸۴: ۲۳۴). علاوه بر لوتر، مصلحانی چون ملانشتون، مسلمانان ترک را همراه با کلیسای روم به منزله ضد مسیح (دجال) تلقی می‌کردند (سی مارتین، ۱۳۷۷: ۲۲).

د) دگرگونی در متن

لوتر ترجمه‌ای آزاد بلکه فراتر از آن ارائه داده است؛ تغییرات ایجادشده در متن ترجمه لوتر در مقایسه با متن اصلی به اندازه‌ای است که در برخی موارد متن اساساً دگرگون شده و نمی‌توان آن را ترجمه نامید، به گونه‌ای که محتوای آن را تنها می‌توان به لوتر نسبت داد. به طور مثال: ریکالدو در استدلال خود علیه قرآن می‌گوید یک دین علاوه بر تأیید شدن با معجزات، باید اثبات کند که عقلانی است: «اگر دین محمد [صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم] با عقل مطابقت داشت، دنیا حتی بدون معجزه هم آن را می‌پذیرفت» (MonteCroceOp, 2010: 39). لوتر جمله ساده ریکالدو «چرا دین محمد [صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم] غیرعقلانی است» را به «چرا دین محمد [صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم] حیوانی و کفرآمیز است» (Adam S, 2007: 190). تغییر داد. وی در ادامه دین اسلام را به طور کلی غیرعقلانی دانسته و از تعالیم قرآن را به بدترین شکل سخن می‌گوید.

ه) خاتمه

لوتر در انتهای ترجمه کتابچه ریکالدو، ردیه خود را افزود و در آنجا مهم‌ترین انتقادات خود علیه قرآن را آورده است: هیچ چیز از آنچه در قرآن است، صحیح

نیست و می‌توان نتیجه گرفت که قرآن کتابی در خور اعتماد نیست. اساس این عقیده لوتر در خلط میان قرآن و حدیث است. پیشتر ریکالدو نیز تمایز چندانی میان این دو دسته متون نگذاشته بود. لوتر این نتیجه را گرفته است که اگر بخشی از یک کتاب مقدس (قرآن) غیر صحیح باشد، بخش دیگر خودبه‌خود وثاقت خود را از دست می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

مارتین لوتر همانند ریکالدو دویمنته کروچه، به اسلام و قرآن از دریچه جنگ و خشونت نگریسته است؛ همان‌گونه که ریکالدو در فضای مسموم و وهم‌آلود قرون وسطی و همزمان با جنگ‌های صلیبی به انتقاد از قرآن پرداخت، لوتر نیز همزمان با حملات ترکان عثمانی، به انتقاد از قرآن روی آورد. رفتار تهاجمی لوتر علیه اسلام و قرآن در زمانی بود که وی از پاپ عصبانی و درگیر مبارزه با کلیسای روم بود و از سوی دیگر از بیماری‌های مختلف رنج می‌برد، از این رو می‌توان گفت این عوامل را در تندخویی و روحیه هتاکانه وی مؤثر بوده است. لوتر که ابتدا مؤثرترین دفاع در برابر جاذبه اسلام را استقامت در باورهای مسیحی می‌دانست؛ با تغییر روش، تحت تأثیر ریکالدو بهترین رویکرد را نشان دادن خطاهای قرآن معرفی کرد. گرچه لوتر در رویکرد انتقادی به قرآن متأثر از ریکالدو است، اما رفتاری تهاجمی‌تر و تندتر از ریکالدو دارد، سخنان لوتر مشحون از عبارات زشت، فحاشی و سخنان غیراخلاقی است. از جمله خطاهای آشکار لوتر این است که او همواره ترکان عثمانی را نماد اسلام دانسته و به این بهانه به

- اسلام، قرآن و ساحت مقدس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم اهانت نموده است. بی تردید مواضع و ادعاهای لوتر در برابر اسلام و بسیاری از اتهامات و اهانت‌هایی که به منظور وارونه جلوه دادن چهره حقیقی اسلام مطرح نموده، بازتاب اندیشه‌های قرون وسطایی ریکالدو و نیز احساسات خصمانه لوتر در فضای خشونت و جنگ ترکان عثمانی است که در سخنان وی آشکار شده است.
- منابع
- اُبرمان، هیکو (۱۳۹۳ش). *لوتر مردی میان خدا و شیطان*. ترجمه سهراب ابوتراب و فریدالدین رادمهر. تهران: نشر چشمه، چاپ سوم.
- بدوی، عبدالرحمان (۱۳۷۵ش). *فرهنگ کامل خاورشناسان*. ترجمه شکرالله خاکرند. قم: بوستان کتاب. چاپ اول.
- بویتسین، هارتموت (۱۳۸۵ش). «متکلمان مسیحی و قرآن» ترجمه محمدکاظم رحمتی؛ آیینیه پژوهش. شماره ۹۸ و ۹۹ - ۲ - ۱۵۰.
- رحمتی، محمدکاظم (۱۳۸۷). «ردیه نویسی مسیحیان اندلس بر اسلام و تأثیر آن بر این سنت در اروپای غربی». *تاریخ و تمدن اسلامی*. شماره ۸۱ - ۹۸.
- سی مارتین، ریچارد (۱۳۷۷). «پیشینه مطالعات اسلامی در غرب» ترجمه سیدحسن اسلامی. آیینیه پژوهش. شماره ۵۴ - ۱۹ - ۲۴.
- صمیمی، مینو (۱۳۸۴ش). *محمد در اروپا*. ترجمه عباس مهرپویا. تهران: اطلاعات. چاپ دوم.
- کتاب مقدس (ترجمه قدیم با رسم‌الخط جدید) (۲۰۰۲م). چاپ سوم. انگلستان: ایلام.
- کریمی نیا، مرتضی (۱۳۸۱ش). «قرآن در عصر اصلاح طلبی و نواندیشی (مروری بر کتاب هارتموت بویتسین)». *ترجمان وحی*. شماره ۱۱. ۷۴ - ۷۹.
- کونگ، هانس (۱۳۹۰ش). *متفکران بزرگ مسیحی*. ترجمه گروه مترجمان. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب. چاپ دوم.
- لین، تونی (۱۳۹۰ش). *تاریخ تفکر مسیحی*. ترجمه روبرت آسریان. تهران: فرزانه. چاپ چهارم.
- معارف، مجید (۱۳۹۴ش). *شناخت قرآن (دفتر اول)*. به کوشش محمد نعمتی. تهران: انتشارات نبأ. چاپ اول.
- مینوی، مجتبی (۱۳۶۹ش). *تاریخ و فرهنگ*. تهران: خوارزمی. چاپ سوم.
- میشل، توماس (۱۳۸۷ش). *کلام مسیحی*. ترجمه حسین توفیقی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب. چاپ سوم.
- ویلیام ساترن، ریچارد (۱۳۹۲ش). *چهره اسلام در اروپای قرون میانی*. ترجمه دکتر عبدالله ناصری طاهری و فاطمه کیا دربندسری. تهران: کویر. چاپ اول.
- هوردن، ویلیام (۱۳۶۸ش). *راهنمای الهیات پروتستان*. ترجمه طاوس میکائیلیان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ اول.

Francisco Adam S (2007). *Martin Luther and Islam*. Leiden: brill.

Herbermann, Charles George. *The Catholic Encyclopedia*. New York: Robert Appleton Company. available at: <http://www.ccel.org/ccel/herbermann/cathen13.html> (5/9/2018)

Kung, Hans (1995). *Christianity: essence, history and future*. New York: Continuum.

Monte Croce Op, Riccoldo (2010). *Refutation of the quran*. London: Londini Ensis.

R. Po- Chia Hsia (2004) *A Companion to the Reformation World*. London: Blackwell.

Hazlitt, William. (2004). *Table Talk of Martin Luther*. Alachua. Florida: Bridge-Logos.

